

۲۰۱۰، جمعه، نوامبر ۲۶

اشغال عراق و نقش نیروهای اجتماعی

یک بار دیگر تحریم‌های اقتصادی شدیدتر علیه ایران تصویب و در حال اجرا است و اخبار احتمال حمله‌ی نظامی، در سر تیر خبرگزاری‌های جهانی جای گرفته است، آنهم به بهانه مساله اتمی. وضعیت کنونی ایران را شاید بتوان تا حدودی با مقایسه کرد که منجر به ایجاد 2003 شرایط جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و در ادامه‌ی آن، اشغال عراق در سال جهنمی خانمان‌سوز برای مردم عراق شد. پشت اعمال تشدید تحریم‌ها و حمله به ایران، ما شاهد همان روندها هستیم و در این میان تنها محافل جنگ طلب در ایران و غرب از چنین وضعیتی استفاده کرده و قهرمانان بازار سیاه به ثروت اندوزی می‌پردازند. از آنجایی که مردم، کارگران و زحمتکشان، در صف مقدم این فجایع قرار دارند، نگاهی اجمالی به شرایط و وضعیت مردم عراق، قبل و پس از جنگ و اشغال آن کشور توسط امریکا و متحدانش و مشکلات آنان، بسیار آموزنده خواهد بود. کانون مدافعان حقوق کارگر

اشغال عراق و نقش نیروهای اجتماعی

علیرضا ثقفی

عراق قبل از اشغال

عراق تا دهه هشتاد میلادی دومین تولیدکننده نفت در دنیا بود و از لحاظ اقتصادی و فرهنگی در صدر کشورهای عربی قرار داشت.

بحران اقتصادی ناشی از کاهش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۹۸۰ سبب شد که مانند بسیاری از کشورهای، برای عراق نیز مشکلات جدی اقتصادی ایجاد شود. حمله به ایران در اواسط دهه ۸۰ نه تنها سبب کاهش بحران داخلی عراق نشد بلکه همراه با سقوط قیمت نفت و بن‌بست همه جانبه اقتصادی کشور عراق و بدهی‌های صدها میلیارد دلاری، دولت عراق را وادار کرد که برای شکستن این بن‌بست دست به یک حمله دیگر بزند. دولت عراق دیگر نمی‌توانست حداقل مخارج مزدگیران و هم چنین هزینه‌های سنگین نظامیان را تأمین کند و نارضایتی عمومی در حال افزایش بود. مردم استبداد زده‌ی عراق خواهان آزادی‌های اجتماعی بیشتری بودند و هر روز مبارزه برای آزادی در عراق ابعاد وسیع‌تری می‌یافت. اما ماشین جنگی این کشور که در جریان جنگ با ایران گسترش یافته بود سر توقف نداشت و به دنبال ماجراجویی می‌گشت تا هزینه‌های سنگین خود را تأمین کند.

حمله عراق به کویت شرایطی را بوجود آورد که امریکا و متحدانش در ابتدای پایان جنگ سرد، قدرت بلامناز عشان را نشان دهند. آنها با اعزام ده‌ها هزار نیرو به عربستان و فرستادن ناوهای هواپیما بر، منطقه را به دژی جنگی تبدیل کردند. شاید از همین رو است که گفته می‌شود این حمله با چراغ سبز امریکا صورت گرفت تا بهانه‌ای برای اشغال نظامی منطقه باشد؛ زیرا از یک سو سرمایه‌داری نیز برای حل بحران‌های شدیدش نیاز به جنگ داشت و عراق گزینه‌ی مناسبی بود، از

سوی دیگر امنیت نفت و صدور آن به غرب برای آنها اهمیت بسیار داشت، همچنین باید از رادیکال شدن فضای منطقه و رشد نیروهای انقلابی و ضد سرمایه داری پیشگیری می شد. بحران سرمایه داری با ایجاد جنگ های سراسری و منطقه ای و ایجاد ویرانه هایی تحقیف می یابد که نیاز به بازسازی دارند. در این صورت است که بازارهای جدیدی برای سرمایه گذاری فراهم می شود و به قول روزنامه نگاری در کنفرانس «بازسازی عراق»: «بهترین زمان برای سرمایه گذاری، هنگامی است (که خون بر روی زمین است)» (۱)

عراق برای اشغالگران آزمایشگاهی بود که در آن سلاح های جدید امتحان شود و تئوری های جدید اقتصادی در کشور پاکسازی شده، اجرا شود. تئوری هایی که می خواهند در سرزمینی سوخته و ویران شده، جامعه ای بر مبنای اقتصاد کاملاً آزاد سرمایه داری پایه ریزی کنند.

عراق کشوری بود که زمان زیادی در برابر کشیده شدن به بازارهای جهانی بر مبنای سرمایه داری برنامهریزی شدهی میلتن فریدمن (۲) مقاومت کرده بود. پس از تغییرات پیروزمندانهی امریکا و متحدانش، در امریکای لاتین و اروپای شرقی و به خصوص یوگسلاوی که آخرین بازماندهی مقاوم در برابر بازار آزاد بود، جهان عرب و خاورمیانه به عنوان جبههی برنامهریزان حمله نظامی را انتخاب کردند و این دلایل را برای توجیه حمله در نزد افکار عمومی طرح. نهایی انتخاب شد نمودند: «پس از فروپاشی بلوک شرق، منطقه خاورمیانه به این دلیل تروریست پرور شده که موج بازار آزاد به منطقه وارد نشده است و نمی توان اقتصاد بستهی خاورمیانه را به روش های مسالمت آمیز باز کرد» و کشورهای ثروت مند کویت و عربستان و سایر کشورهای نفت خیز، آن چنان با پول نفت تغذیه شده اند که نه تنها نیازی به وام های صندوق بین المللی پول و سایر بانک ها ندارند، بلکه وام هم می دهند و خارج از نفوذ صندوق بین المللی پول هستند. «؟!؟! این جملات یکی پس از دیگری مطالبی است که برنامه ریزان حمله به عراق به مناسبت های گوناگون بر زبان رانده اند.

اما تمام خاورمیانه که نمی توانست به یکباره فتح شود؛ پس لازم بود کشوری به عنوان نمونه انتخاب شود تا الگوی آزمایش های مکتب اقتصادی فریدمن قرار گیرد. قبل از حمله به عراق "یک صاحب نظر امور شرکت های بزرگ یک «سونامی» طوفانی را در جهان اسلام پیش بینی کرد که در تهران و بغداد بوجود می آید" و یکی از مشاوران حکومت (بوش) "این جنگ را بازسازی جهان" اعلام کرد. (میشل لدین تئوریستین محافظه کار و مشاور بوش مدافعان دروغین حقوق بشر و قوانین بین المللی، بدون هیچگونه مذاکره و به بهانهی واهی وجود سلاح های کشتار جمعی، مبلغ رامحل نظامی برای خاتمه دادن به بحران خلیج فارس شدند. بحرانی که در سال ۲۰۰۳ و با حملهی دوباره خود را نشان به قول یکی از نظریه پردازان اشغال: هدف بازسازی عراق نبود، بلکه ایجاد کشوری جدید با معیارهای جدید جهانی داد بود. بمباران های اولیهی عراق با هدف نابودی مراکز اقتصادی و استراتژیک صورت می گرفت و به گونه ای طراحی شده بود که بتوان کشور جدیدی بر ویرانهی کشور قبلی ساخت. برای نمونه در سال ۱۹۹۱ سیصد موشک کروزر (تام هواک) در ۵ هفته بر روی عراق ریخته شد ولی در سال ۲۰۰۳ بیش از سیصد و هشتاد موشک در یک روز شلیک شد. در فاصله ی ۲۰ مارس تا دوم می ۲۰۰۳ یعنی روزهای اولیه تهاجم، ایالات متحده بیش از ۳۰ هزار بمب بر روی عراق ریخت و همچنین ۲۰ هزار موشک هدایت شوندهی دقیق شلیک شد، که ۶۷ درصد از مجموع آنچه را شامل می شد که تا کنون ساخته شده بود. (۳))

این بمباران ها زیر بناهای ساختاری عراق را هدف گرفته بودند و سیستم مخابرات، انرژی، آب آشامیدنی، راه ها و جاده ها، و تمام مراکز حیاتی را در بر می گرفت. زیرا تمام اینها می باید دوباره به دست شرکت های چند ملیتی ساخته شود. آنها تمام تلاش خود را کردند که فقط منابع نفت عراق را سالم به دست آورند.

هنگامی که ارتش امریکا وارد بغداد شد، یک کلینک بزرگ قلب در آنجا وجود داشت که با وجود محاصرهی اقتصادی عمل جراحی قلب در آن انجام می شد و حتا از سایر کشورهای عربی هم برای جراحی قلب به آن جا ۸ عراق، هر روز می آمدند. عمر القیبسی (یکی از هزاران پزشکی که اکنون عراق را ترک کرده است) ریاست آن کلینک قلب را بر عهده داشت. وی در مورد تخریب بیمارستان چنین می گوید

بیمارستان در مقابل موزه ملی قرار داشت. در ۹ و ۱۰ آوریل ۲۰۰۳ در حالی که سربازان امریکایی در برابر موزه " ملی و بیمارستان ایستاده بودند در برابر چشمانمان ابتدا موزه و سپس بیمارستان غارت شد و سربازان امریکایی کوچکترین واکنشی نشان ندادند. من کوشش کردم با سیم خاردار و گذاشتن ماشین های سنگین در مقابل در ورودی بیمارستان جلوی

غارث را بگیریم اما واحدهای زرهی آمریکایی این سنگربندی‌ها را ویران کردند تا هرکس که بخواهد بتواند به داخل بیمارستان برود؛ از بین بردن موزه و بیمارستان از طرف نیروهای آمریکا عمدی بود. او می‌گوید من گریه می‌کردم و با اصرار از آمریکایی‌ها می‌پرسیدم که اینجا بیمارستان است، چرا اجازه می‌دهید که ویران شود؟ پاسخ این بود که نگران نباش! آمریکا کمک خواهد کرد که بیمارستان بهتری بسازید.

آموزش و پرورش نیز به کمپانی‌های آموزشی خصوصی واگذار شد تا دوره‌های درسی پس از صدام را آماده کنند. کتاب‌های جدید را چاپ کردند. شرکت‌های مشاوره آموزشی که در واشنگتن پایه‌گذاری شده بودند بیش از صد میلیون دلار قرارداد دریافت کردند.

آنها دانشگاه‌های بغداد را هم خراب کردند و در جلوی چشم سربازان آمریکایی اجازه غارت وسایل آن را دادند تا جان اگرستو مسئول بازسازی آموزش عالی در عراق و دانشگاه‌هایی بر مبنای جدید و با سیستم آموزشی جدید بسازند همکار پل برمر می‌گوید: "بازسازی سیستم آموزشی عراق از بنیان... اگر ماموریت ما ایجاد یک کشور جدید دیگر است، چنانکه عده‌ای مشخصا به آن اعتقاد دارند، پس هر چیز باقیمانده از کشور قدیمی باید دور ریخته شود." او توضیح می‌دهد که هر چند هیچ چیز در باره عراق نمی‌دانست، اما از خواندن هر کتابی در باره‌ی کشور عراق، قبل از آنکه آن را پاکسازی کند، امتناع کرده است با این دلیل " که می‌خواستم با یک ذهن پاک و خالی به عراق برسم

اما اگر او یک یا دو کتاب در باره عراق می‌خواند ممکن بود بفهمد که عراق یکی از بهترین سیستم‌های تعلیم و تربیت را در خاورمیانه و بالاترین نرخ باسوادان را در کشورهای عربی داشته است. (در ۱۹۸۵ در صد باسوادها در عراق به ۸۹ درصد می‌رسید)

پل برمر می‌گوید: وقتی به بغداد رسید همه‌ی چراغ‌ها خاموش بود. هیچ ترافیکی نبود. تمام فعالیت های اقتصادی کاملا متوقف بود. در چنین شرایطی حرکت سریع برای باز کردن مرزهای کشور و واردات نامحدود و بدون تعرفه، مالیات، گمرک و بازرسی ضروری بود. او می‌گوید: دو هفته پس از رسیدنش به عراق، کشور برای دادوستد آزاد شد. و از آن پس کشور ۲۵ میلیونی عراق مکانی شد که تمامی آرزوی انحصارات می‌توانست عملی شود: دولت بسیار مچاله شده، کشوری نامن، مردمی شوک‌زده و درگیر حفظ زندگی و تامین ابتدایی‌ترین نیازها، دروازه‌ی بسیار باز بدون محافظ و نیروی انسانی آماده برای هر نوع کاری، نه تعرفه‌ای وجود دارد، نه مالیاتی و نه مالکیت قانونی

یک ماه پس از آنکه برمر مسئولیتش را آغاز کرد، دستور داد ۲۰۰ شرکت دولتی عراق خصوصی شوند، شرکت‌هایی که در جریان تحریم، کالاهای اساسی را تولید می‌کردند. سپس فرامین جدیدی به صحنه آمد تا فراخوانی برای سرمایه‌گذاری خارجی باشد و سرمایه‌های خارجی سهم خود را از مزایده‌ی خصوصی‌سازی بگیرند. کارخانه‌های جدید را بسازند و سود فروش کالاها را در عراق از آن خود کنند. برمر قوانینی را گذراند که به سرمایه‌داران خصوصی اجازه می‌داد صد درصد سهام کارخانه‌ها را داشته باشند. مالیات سرمایه‌گذاری‌ها را از ۲۵ به ۱۵ درصد کاهش داد. هم چنین سرمایه‌گذاران می‌توانستند صد درصد سود خود را از عراق خارج کنند. یعنی همان آزادی غارت مطلق برای سرمایه‌داران. به فرمان برمر بیست میلیارد دلار از درآمد نفت عراق در اختیار فرماندهان اشغالگر قرار گرفت تا هر گونه که صلاح بدانند خرج کنند.

پل برمر برنامه‌های خصوصی‌سازی را تا آنجا ادامه داد که طرح تقسیم پول نفت هر منطقه را به صورت نقدی میان اهالی خصوصی‌سازی (این پیشنهاد بعدا به صورتی در قانون پیشنهادی نفت عراق گنجانده شده است) همان منطقه ارائه کرد آن‌چنان در عراق پیشرفت کرد که شغل ساختن دموکراسی محلی به کمپانی کارولینای شمالی واگذار شد که بر مبنای نهاد پایه‌گذاری شده بود و برای این منظور قراردادی به مبلغ ۴۶۶ میلیون دلار بسته شد (RTI) تحقیقات سه جانبه بین‌المللی رهبری این کمپانی در دست افراد کلیسای مورمون بود... آنها پس از آنکه کمک کردند تا چند حزب اسلامی در چند شهر بتوانند قدرت را به صورت "دموکراتیک"!!؟ به دست آورند، کشور را ترک کردند. بدین ترتیب بود که یازده ماه پس از تهاجم به عراق، طبق تحقیق دانشگاه آکسفورد تنها ۲۱ درصد مردم عراق با حکومت اسلامی موافق بودند و تنها ۱۴ درصد، سیاست‌مداران مذهبی را ترجیح می‌دادند، اما شش ماه بعد که خشونت‌ها بالا گرفته بود، بر طبق یک تحقیق دیگر از همان دانشگاه، ۷۰ درصد از عراقی‌ها خواهان قوانین اسلامی به عنوان پایه‌ی حکومت بودند

اما در این میان چه بر سر مردم عراق آمد و بر روی زمین‌های صاف و سرزمین سوخته که بر مبنای تئوری‌های جدید باید

جامعه‌ای جدید ساخته شود، چه جامعه‌ای بنا شد؟

وضعیت عراق هشت سال پس از اشغال

عراق حتا در دهه‌ی نود که از سوی سازمان ملل با تحریم‌های گسترده‌ای، مانند "نفت در برابر غذا" روبرو بود، نیز شرایط بهتری نسبت به حال حاضر داشت. فقط نگاهی کوتاه به نرخ بیکاری، آموزش و پرورش، بهداشت و امنیت در هشت سال اشغال، اوج فاجعه را نشان می‌دهد. خانه‌نشینی زنان، آوارگی و بی‌خانمانی، گدایی و تن‌فروشی و کشتار میلیون‌ها انسان را چه کسانی باید پاسخ دهند؟ بیکاری، آوارگی، بسیار برجسته است

(اقتصاد عراق از میان ۱۸۳ کشور جهان در رتبه ۱۵۷ برای شروع سرمایه‌گذاری قرار دارد. ۴)

قبل از اشغال نزدیک به بیست درصد اقتصاد عراق در زمینه‌ی کشاورزی بود و محصولات نظیر برنج، پنبه، گندم، یونجه و بسیاری از میوه‌ها تولید می‌شد، در حالی که امروز محصولات کشاورزی در حد بسیار پایینی تولید می‌شود. از سال ۲۰۰۳ تا به حال هر روز بخش غیررسمی و قاچاق اقتصاد افزایش داشته که در حال حاضر ۶۵ درصد تولید ناخالص ملی اقتصاد و ۸۰ درصد نیروی کار عراق را در برمی‌گیرد. این نشان از نابودی صنایع و تمام زیرساخت‌های اقتصادی پیشرفته در عراق دارد. (۵) عراق روزانه بیش از ۲ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند و با ذخایر ۱۱۵ میلیارد بشکه‌ای خود بعد از میلیارد دلار عربستان و ایران سومین ذخایر عظیم نفتی را در اختیار دارد. درآمد نفتی عراق در سال گذشته بالغ بر ۳۶ بود. پس از اشغال عراق توسط نیروهای امریکایی بحران‌های فزاینده در این کشور تشدید شده که ناشی از ناامنی‌های پس از اشغال نظامی و سیاست‌های دیکته‌شده‌ی امریکاست

گزارش‌های بسیاری از شرایط دهشتناک زندگی در عراق منتشر شده است که در زیر به مختصری از آنها اشاره می‌کنیم سازمان ملل متحد در تازه‌ترین گزارش خود چنین آورده است: یک چهارم مردم عراق زیر خط فقر زندگی می‌کنند و درآمد روزانه کمتر از دو دلار دارند. عراق دومین کشوری است که بیشترین مرگ و میر نوزادان را دارد. میزان مرگ و میر نوزادان در عراق ۴۱ نوزاد در هر هزار تولد در این کشور است. تحریم‌های اقتصادی باعث مرگ بیش از ۵۰۰/۰۰۰ هزار کودکان آواره در داخل و خارج عراق در سنین تحصیل در مقطع ابتدایی قرار ۲۲۰. کودک در عراق شده است دارند. سازمان "صدای کودکان" با استناد به تحقیقات بین‌المللی تاکید کرده است: بیش از یک میلیون کودک عراقی وارد بازار کار شدند در حالی که اکثر آنها در معرض خشونت و تجاوز جنسی قرار دارند. تعداد کودکان یتیم در عراق به ۵ میلیون تن می‌رسد که یک سوم این کودکان در سال ۲۰۰۸ نتوانستند ادامه تحصیل بدهند. در حالی که ۷۶۰ هزار کودک نیز به طور کل اصلا مدرسه نرفتند و از هر ۸ کودک یک کودک آواره است. دو میلیون کودک عراقی از سوء تغذیه و نبود آموزش رنج می‌برند. هزاران تن نیز مورد تجاوز و سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند، ۱۳۰۰ کودک نیز در زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌های (دولتی به سر می‌برند و فقط در بغداد ۱۱ هزار کودک معتادند. ۶)

وضعیت زنان بهتر از کودکان نیست

با کاهش شاخص‌های بهداشتی در اثر جنگ و تحریم و اثرات کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط صدام و استفاده نیروهای امریکایی از بمب‌های حاوی اورانیوم ضعیف شده (۱۴۲ هزار و ۲۵۴ تن از این نوع بمب در حملات ۱۹۹۱ استفاده شد). زنان عراقی، به ویژه در مناطق جنوبی، دچار بیماری‌های جسمی و روانی مانند سرطان، کم خونی، شب‌کور و سوء تغذیه شده‌اند. بیماری‌های روانی و عصبی نظیر افسردگی، اضطراب و اسکیزوفرنی و مشابه آنها در میان زنان و مادر در هنگام زایمان می‌میرند. این رقم در جهان ۲۱ نفر است ۳۷۰ دختران شیوع یافته است. از هر ۱۰۰۰ تولد سازمان امریکایی دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرد، ناامنی در بغداد و شهرهای دیگر عراق شرایط را برای تجاوز و آدم‌ربایی تسهیل کرده، زنان و نوجوانان از ناامنی می‌ترسند و بسیاری ترجیح می‌دهند که از رفتن به محل کار و تحصیل صرف‌نظر کنند. طبق همین گزارش تنها سه ماه اول اشغال عراق، بنا به اظهار معاون انجمن دولتی عراق در ماه‌های آوریل تا آگوست سال ۲۰۰۳ میلادی ۴۰۰ زن در عراق ربوده شده و برخی از آنها کشته شده‌اند. ۲۰ درصد از آنها زیر ۱۸ سال سن داشتند. این ناامنی‌ها باعث شده بود که برخی از زنان با خود اسلحه حمل کنند

سازمان "آزادی زنان در عراق" معتقد است که اغلب این زنان دزدیده شده و برای روسپی‌گری در خارج از عراق فروخته شده‌اند. براساس گزارش این سازمان ۱۵ درصد زنان عراقی که بر اثر جنگ بیوه شده‌اند از روی ناچاری به دنبال ازدواج موقت یا فحشا هستند

فرار کارکنان سیستم درمانی عراق به تندرستی مردم عراق آسیب فراوان زده است. براساس اطلاعات صلیب سرخ جهانی نفر پزشک در عراق مشغول به کار بوده اند. در سال ۲۰۰۸ تعداد آنان به نصف یعنی به ۳۴۰۰۰ در سال ۱۹۹۰ تعداد ۱۶۰۰۰ نفر رسید، همچنین تعداد پرستاران. براساس نظر صلیب سرخ جهانی در بیشتر کشورهای جهان در کنار هر پزشک سه پرستار کار می‌کنند اما در عراق هم اکنون تعداد پرستاران ۱۷۰۰۰ نفر است که این تعداد کمی بیشتر از تعداد پزشکان است.

بیشتر بیمارستان‌ها در شهرهای بزرگ با واگذاری به بخش خصوصی و یا شرکت‌های خارجی دوبارسازی شده‌اند اما وضعیت در روستاها اسفناک است. کمبود آب سالم، سیستم فاضلاب، جمع‌آوری زباله و تهویه هوا، تندرستی بیماران را به (مخاطره انداخته و بیماری‌های عفونی را افزایش داده است، چنانکه تصادف‌های کوچک می‌تواند منجر به مرگ شود. (۷) شرایط دشوار زندگی، مهاجرت عراقیان را افزایش داده است. بنا به ارزیابی کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل، به دنبال حمله ایالات متحده و متحدینش به عراق در مارس ۲۰۰۳ چهار میلیون و هفتصد هزار عراقی یا در داخل کشور نقل مکان کرده و یا به خارج از کشور گریخته‌اند. به گزارش رویترز تعداد پناهندگان عراقی در کشورهای همسایه عراق حدود ۲۰۷ هزار نفر و در سراسر جهان نزدیک به سه میلیون نفر برآورده شده است که از این تعداد فقط ۳۰۰ هزار نفر در انتخابات اخیر عراق شرکت کردند و بقیه همچنان در شوک ناشی از اشغال و بی‌خانمانی قرار دارند اقدام اشغالگران در نابود کردن تاسیسات زیربنایی و بخش صنعتی عراق، نابودی تولید داخلی و مصرفی کردن کشور با ورود بی‌رویه کالاهای خارجی ارزان، از بین بردن ساختار تولیدی و جلوگیری از فعالیت‌های تولیدی قبلی به بهانه "سیستم اقتصادی استالیانی"، همچنین، بسته شدن بسیاری از کارگاه‌های کوچک و کارخانه‌های متوسط به دنبال قطع برق و ... دلیل اصلی گسترش رشد بیکاری و فقر در کشور است. بی‌شک نابودی صنایع عراق موج بزرگی از بیکاری را ایجاد کرده است.

مؤسسه اطلاعات و تجزیه و تحلیل (آی‌ا‌یو)، که برای نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان جهانی کار تحقیق می‌کند، در گزارش مربوط به سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، (این گزارش در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است) نرخ بیکاری را ۱۸ درصد اعلام می‌کند. در صورتی که آمارهای غیررسمی میزان بیکاری را بیش از ۵۰ درصد می‌دانند که نسبت به سال ۲۰۰۳ ده درصد افزایش داشته است. در چند سال گذشته تعداد کارگران زیر ۱۹ سال بیشتر شده است. مشاغل موجود بیشتر در بخش عمومی و خدمات است. کارهای نیمه وقت افزایش یافته و در مقابل کار در بخش تولیدی کم شده است. تمام اینها نشان از حذف تولید داخلی و ایجاد بازار مصرف برای کالاهای خارجی است. البته سرمایه‌گذاران کوچک عراقی نیز گاه می‌توانند فرصت‌هایی برای کار بیابند اما فقط در زمینه‌هایی مانند ایجاد کارگاه‌های آجرپزی، آسفالت و صنایع ساختمانی. اما به دلیل کارگران در این نداشتن سرمایه‌ی کافی، در پرداخت دستمزدها همیشه مشکل دارند و وضعیت کارگران‌شان مناسب نیست بخش‌ها فاقد تشکل هستند.

یکی از مسایل اصلی که این گزارش به آن اشاره می‌کند کاهش کار زنان در جامعه است. زنان ۱۷ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند که نسبت به دوران قبل از اشغال بسیار کمتر است. به خاطر رشد گرایش‌های مذهبی زنان هر روز از متن جامعه کنار گذاشته می‌شوند و روز به روز از درصد زنان تحصیل‌کرده کم می‌شود تا جایی که امروز بالای ۶۰ درصد زنان از تحصیلات دانشگاهی برخوردار نیستند و زیر ۲۰ درصد زنان شاغل دارای مدارک دیپلم و بالاتر هستند. این آمار مربوط به جامعه‌ای است که روزگاری باسوادترین زنان را در منطقه داشت. فرار مغزها در چند سال گذشته ضربه بسیار شدیدی به (اقتصاد عراق زده است. این داستان ساختن کشوری جدید با مردمی جدید و اقتصادی جدید است. (۸)

وجود هزاران بیکار در عراق زمینه‌ی خوبی برای رشد گروه‌های مسلح است و از نیروی آنان در جهت گسترش خشونت استفاده می‌شود. جوانان بیکاری که توانایی سیرکردن شکم خود و خانواده‌شان را ندارند در برابر دستمزدهای بالا، پوشاک و غذا به راحتی جذب گروه‌های مسلح می‌شوند.

با وجود آنکه بسیاری از مردم عراق بیکار هستند ولی صاحبان کار از کارگران فیلیپینی، سومالیایی و بنگلادشی استفاده می‌کنند. هیچ آمار رسمی در مورد شمار کارگران خارجی غیرمجاز در عراق وجود ندارد. این کارگران خارجی، عمدتاً از طریق شرکت‌ها و دفاتر کاریابی غیرمجاز عراق استخدام می‌شوند. اکثر آنان با ویزای توریستی به عراق می‌آیند و به دلار بیشتر ۲۰۰ محض ورود پاسپورت‌شان توسط کارفرما ضبط می‌شود. بسیاری از آنان با دستمزد ماهیانه‌ای که از

نیست، در رستوران‌ها، هتل‌ها، مراکز تفریحی و بازارهای عراق کار می‌کنند اما بخش عمده‌ی این کارگران در بخش پتروشیمی مشغول کار هستند و از دستمزد بالاتری برخوردارند. بهانه‌ی استفاده از کارگر مهاجر تخصص آن‌ها اعلام می‌شود، ولی در اصل برای پرداخت حقوق کمتر و عدم پای‌بندی به ایمنی و قانون کار، کارگران خارجی به کار گرفته می‌شوند، زیرا کارفرماها، که همان شرکت‌های پیمانکار خارجی هستند، می‌توانند بیش از هزار کارگر خارجی را در عرض چند روز از عراق اخراج کنند. کارگران مهاجر فلپینی که تعدادشان بالای ۱۵۰۰۰ نفر است در معرض اخراج قرار دارند. این عده بخاطر حداقل دستمزد ۸۰۰ دلار در ماه در عراق زندگی می‌کنند. ۳۰۰۰۰ کارگر نیپالی هم در آستانه‌ی اخراج قرار دارند. نیویورک تایمز در دسامبر ۲۰۰۷ گزارشی مفصلی از اذیت و آزار کارگران مهاجر در عراق چاپ کرد. (۹))

نهادهای کارگری

جنبش کارگری عراق در هشتاد سال گذشته، از زمان استقلال از انگلیس، دوره‌های متفاوتی را طی کرده‌است که بسیاری از آن با اوج و سقوط جنبش کارگری ایران همزمان است، به خصوص در مقاطع سال‌های ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) و ۱۳۵۷ (۱۹۷۸). برخی از نهادهای کارگری عراق که زمانی می‌توانستند تا بیش از سیصد هزار کارگر را برای مراسم اول ماه می به خیابان‌ها بیاورند، در دهه‌ی هشتاد تبدیل به وسیله‌ای برای سرکوب نیروی کار و کشاندن کارگران به میدان جنگ علیه ایران شدند. در مجموع تشکیل‌یابی و تشکیل نهادهای کارگری در عراق را می‌توان در سه دوره بررسی کرد: دوره‌ی اول تشکیل نهادهای دولتی و دوره‌ی دوم بعد از حمله عراق به کویت و دوره سوم بعد از اشغال توسط امریکا فدراسیون سراسری سندیکاهای عراق (۱۰) در سال ۱۹۶۳ تاسیس شد و هنوز هم فعال است. این فدراسیون تا قبل از اشغال و تا سال ۲۰۰۳، بجز در فواصل کوتاهی در دهه هفتاد که حزب کمونیست در آن فعال بود، در مجموع به عنوان ابزار سرکوب کارگران عراق و به عنوان زیر مجموعه‌ی حزب بعث در بخش خصوصی فعالیت می‌کرد. این نهاد همگام با صدام مبنی بر حذف کارکنان بخش دولتی و عمومی از قانون کار شد. نهاد مخفی ۱۹۸۷ سبب تصویب قانون ضد کارگری این نهاد که کارگری هم با نام جنبش دمکراتیک سندیکایی کارگران (۱۱) در همان دوران ۲۴ ساله فعالیت می‌کرد غیرقانونی اعلام شده بود با افشاگری‌هایش در رابطه با تضييع حقوق کارگران، در آگاه کردن افکار بین‌المللی در مورد جنبش کارگری عراق نقش به سزایی داشت.

بعد از اشغال عراق و بازگشت بسیاری از فعالین کارگری و مدنی به عراق، شرایطی فراهم شد تا این فعالین در سطح نهادهای مدنی و کارگری، با تاسیس تشکل‌های جدید به فعالیت علنی بپردازند. از سال ۱۹۹۰ به بعد چندین فدراسیون سراسری و تشکل سندیکایی در عراق بوجود آمد که عبارت بودند از: فدراسیون شوراها و اتحادیه‌های کارگری عراق، سندیکای سراسری کارگران شهر (۱۴)(۱۲)، فدراسیون سندیکاهای عراق (۱۳)، فدراسیون سراسری سندیکاهای عراق... اربیل، سندیکای سراسری کارگران شهر سلیمانیه و فدراسیون کارگران نفت (۱۵) و

فدراسیون کارگران نفت به خاطر مبارزه اش برای جلوگیری از خصوصی سازی صنعت نفت در سطح بین‌المللی بسیار شناخته شده است و با اعتراضاتش نقش بسیار برجسته‌ای در رشد و ارتقا کارگران عراق در هفت سال گذشته داشته است. در سال ۲۰۰۵ اتحادیه‌های کارگران نفت عراق قطعنامه‌ای علیه قانون خصوصی‌سازی نفت منتشر کردند که به وسیله پل برمر و همکارانش نوشته شده بود. در بخشی از این قطعنامه چنین آمده است: "پیمان تولید مشترک (آگ پ)، پیمانی است که طبق آن به دولت امریکا و شرکت‌های نفتی چند ملیتی در محدوده عراق این اجازه را می‌دهد که به مدت ۲۵ تا ۴۰ سال آینده، بدون هیچ‌گونه مشکل سیاسی از این خصوصی‌سازی بهره برده و تا آنجا که می‌توانند نفت عراق را استخراج نمایند. تک مفاد این پیمان مانند همیشه مخفی است. این پیمان همچنین در مدت قراردادش غیرقابل تغییر و برگشت است و هر دولتی هم که در آینده در عراق بر روی کار آید نمی‌تواند تا پایان مدت مقرر مجدداً برای تغییر مفاد آن به مذاکره بپردازد طبق گزارشی که بر اساس طرح خام این پیمان در پاییز ۲۰۰۵ علنی گشت، از "در بخش دیگر قطعنامه چنین آمده است تاریخ عقد این قرارداد در حدود ۶۴ درصد ذخایر نفتی عراق بدون برگشت در اختیار شرکت‌های نفتی خارجی قرار می‌گیرد. پیمان

"آگ پ) سهم سود شرکت‌های نفتی خارجی از نفت عراق را بین ۴۲ تا ۱۶۲ درصد ضمانت خواهد نمود)

اتحادیه‌های کارگران نفت عراق، بعد از انتشار خبر مذکور در یک گروه‌مبایی تصمیم گرفت: "هیاتی از سوی اتحادیه‌های کارگران نفت عراق به آلمان/اطریش/سوئیس عازم شدند تا راهی پیدا کنند که علیه خصوصی‌سازی صنایع نفت در عراق کاری انجام دهند

اما متأسفانه نشست و اقدامات اتحادیه‌های کارگران نفت عراق از حمایت ملی و دیگر اقشار زحمتکش بر خوردار نشد. علت اصلی این مساله نیز در آن زمان، پراکندگی و آوارگی مردم بود. مردم برای پیدا کردن لقمه نانی به دنبال تانک‌های امریکایی می‌دویدند و فرصت فکر کردن به آینده‌ی نفت عراق را نداشتند. در نتیجه کارگران نفت تنها ماندند. صدای آن‌ها یک وجب آن ورتر نرفت و جامعه کارگری بین‌المللی نیز حمایت خاصی از آنان نکرد. چند ماه بعد از انتشار قطعنامه بالا، کارگران نفت عراق در بصره دستجمعی اخراج شدند. علت این امر متوقف کردن استخراج نفت به علت خطر انفجار کارگران نفت کرکوک با حمایت خود از کارگران اخراجی دست به اعتصاب. چاه‌های نفت توسط تروریست‌ها اعلام شد امریکایی‌ها و دولت به ناچار کارگران اخراجی را در جاهای مختلف مشغول نمودند. اما آن‌ها دیگر پراکنده شده. زدند بودند. کارگران اخراجی نفت در آن زمان اعلام کردند که استخراج نفت در بصره متوقف نشده است، بلکه بدون حضور (آنان انجام می‌شود. (۱۶)

حرکات اعتراضی دیگری نیز در چند سال اخیر در عراق رخ داده است از جمله اعتصاب و تظاهرات کارگران سیمان تاسلوچه

سلیمانیه) می‌باشد. به بهانه تأسیس یک نیروگاه برق در این منطقه قرار شد که کارخانه سیمان تعطیل شود. کارگران (خواهان آن بودند که کارخانه به جای دیگری منتقل شود و به تولید خود ادامه دهد. اما دولت مخالف چنین امری بود و علت این در حالی بود که همزمان کارخانه سیمان جدیدی در کردستان تأسیس. آن را هزینه سنگین جابه‌جایی کارخانه اعلام کرد شد. کارگران اعتصاب کردند و در محل کارخانه بست نشستند. نیروهای نظامی به کارگران حمله کردند و به روی آنان آتش گشودند

در روزهای ۱۳ تا ۲۹ ژوئن همان سال، سربازان انگلیسی و آمریکایی به تجمعات و تشکل‌های کارگری و افراد شناخته قاسم هادی توسط سربازان آمریکایی به شدت مضروب شد. تظاهرات کارگران بیکار از هم پاشید. شده‌ی آنها حمله کردند هشت تن از فعالان کارگری کشته شدند. در پایان سال ۲۰۰۵ در حمله‌ای به تجمع کارگران در بغداد ۱۳ نفر کارگر کشته شد و آن را در اخبار به تروریست‌ها نسبت دادند. اما در خیلی از سایت‌ها این فاجعه را به سربازان آمریکایی و پلیس عراق نسبت داده بودند. در ۲۹ مه ۲۰۰۶ اتوبوس کارگران عراقی مورد حمله قرار گرفت و در نتیجه ۱۲ نفر کشته و ۱۵ نفر به شدت مجروح شدند. دولت عراق و آمریکایی‌ها این فاجعه را به "تروریست‌های ایران" نسبت دادند، چون این اتوبوس گویا از قرارگاه اشرف برمی‌گشته است. از این دست اخبار فراوان است. در اگوست ۲۰۰۶ روزنامه گاردین با یکی از رهبران اتحادیه کارگران نفت عراق به نام حسن الجوما الاعواد دبیر کل اتحادیه کارگران نفت جنوب در بصره مصاحبه‌ای انجام داد. الاعواد ضمن اینکه اشغال عراق را یک نوع حرکت "نو استعماری" خواند گفت: "با وجود اینکه ما دارای ۲۳ هزار عضو هستیم اما امریکایی‌ها و دولت عراق به ما اجازه فعالیت سندیکایی نمی‌دهند و ما را به رسمیت نمی‌شناسند." (۱۷))

بعد از اشغال عراق عملاً نهادهای سابق دست نخورده باقی‌مانده و به کارشان ادامه می‌دهند، بخصوص که حزب بعث هنوز هم خود را به‌عنوان اپوزیسیون می‌داند. فدراسیون سراسری سندیکاهای عراق که وابسته به حزب بعث بوده هنوز هم فعالیت می‌کند و عضو اتحادیه‌های کارگری عرب است و از آن‌ها کمک مالی دریافت می‌کند، پس از اشغال عراق به جریانات اسلامی در عراق نزدیک شده است

فدراسیون شوراهای اتحادیه‌های کارگری عراق، فدراسیون سندیکاهای کارگری عراق و فدراسیون کارگران نفت مستقل از دولت هستند و دو نهاد اول بدون هیچ پنهان‌کاری ارتباط خود را با احزاب سیاسی علنی مطرح می‌کنند. اولی به حزب دومی به حزب کمونیست عراق (۱۹) وابسته هستند. فدراسیون کارگران نفت به جریانات (۱۸) کمونیست کارگری عراق شیعه جنوب عراق نزدیک است. این تشکل‌ها تا حدودی با حفظ استقلال‌شان چه در سطح حزبی و چه در محیط کار عملاً توانسته‌اند در اعتصابات و اعتراضات محیط کار شرکت و به این ترتیب در جهت مبارزه برای تغییر قوانین ضدکارگری حرکت کنند. هر سه کنفدراسیون خواهان خروج نیروهای اشغالگر و خواهان تشکیل دولتی مستقل و فارغ از احساسات

فرقه‌ای، نژادی، ملی و مذهبی هستند

رابطه‌ی اتحادیه‌ها با سایر اتحادیه‌های بین‌المللی
فدراسیون‌ها و سندیکاها کارگری در اکثر ایالت‌های عراق فعالیت دارند و در بسیاری از بخش‌ها مانند ساختمان‌سازی، راه آهن، حمل و نقل، برق، بیمارستان‌ها، بنادر، پوشاک، مواد غذایی، مخابرات، آموزش و پرورش، صنایع فلزی، مهندسی، روزنامه‌نگاری، دانشجویی، پتروشیمی و نفت فعالیت می‌کنند و بر اساس آماري که به آی تی یو سی اعلام کرده‌اند در حدود ۶۰۰۰۰۰ هزار عضو دارند.
بزرگترین ضعف تشکیل‌یابی در عراق وجود قوانین ضد کارگری است که ایجاد تشکل کارگری را در بخش دولتی و عمومی ممنوع کرده است. همانند ایران که در صنایع نفت و استراتژیک از قبیل خودروسازی فعالیت کارگری ممنوع است پرداخت حق عضویت داوطلبانه است نه اجباری و از طریق کم کردن از حقوق اتحادیه‌ها مشکلات مالی بسیاری دارند کارگران. در نتیجه آنها برای پیشبرد کارهای آموزشی، تعلیماتی و کنفرانس‌هایشان وابسته به کمک‌های اتحادیه‌های کارگری خارجی هستند. این وابستگی مشکلاتی را برای اتحادیه‌های کارگری عراق ایجاد کرده است. فدراسیون شوراها و اتحادیه‌های کارگران عراق روابط بسیار نزدیکی با اتحادیه‌های کارگری آمریکا دارد که تا حدود زیادی زیر پوشش نهاد کارگری امریکایی، سولیدریته سنتر، هستند. همچنین فدراسیون سندیکاها کارگری عراق روابط بسیار نزدیکی با (اتحادیه‌های کارگری انگلیس دارند). (۲۰)

در عمان، پایتخت اردن، دفتری برای کمک به اتحادیه‌های کارگری عراق باز کرده است و نمایندگانی از ICFTU (تشکل‌های کارگری عراق در تمام کنگره‌های کنفدراسیون آی سی اف تی یو و آی تی یو سی شرکت می‌کنند. (۲۱)
امروزه تنها سربازان و مستشاران نظامی امریکایی دولتی و خصوصی، تجار و بازرگانان، اقتصاد دانان و نمایندگان شرکت‌های بزرگ و کوچک در عراق حضور ندارند، بلکه هزاران متخصص علوم اجتماعی و سیاسی و آموزشی و برنامه‌ریزان اتحادیه‌ای نیز در عراق مشغول به کارند تا به قول خودشان کشور جدیدی بسازند. در حقیقت بخشی از فرایند اشغال، یا به زبان اشغالگران "توسعه"، توسط این متخصصان طرفدار غرب به پیش برده شده و از این طریق تکمیل می‌شود. پس طبیعی است که در زمینه فعالیت‌های کارگری نیز سولیداریته سنتر (بخش کارگری وزارت امور خارجه امریکا) و اتحادیه‌های انگلیسی دولتی، حضوری پررنگ در جامعه کارگری عراق داشته باشد و سعی کنند با سمت و سو دادن به جریان کارگری، از آنان تشکل‌هایی کم‌رنگ و بی خطر برای سرمایه‌داری بسازند

در گزارش سالانه ۲۰۰۹ سولیدریته سنتر (مرکز کارگری وزارت خارجه آمریکا) از پنج اتحادیه کارگری عراق نام برده می‌شود که برای گرفتن کمک جهت احقاق حقوق کارگری به آمریکا رفته‌اند و در آمریکا به نمایندگان کنگره آمریکا می‌گویند: «ما می‌خواهیم صدایمان را به گوش تصمیم‌گیران برسانیم که بخشی از استراتژی‌تان کمک به گسترش دموکراسی (برای کارگران عراق باشد)» (فلاح علوان نماینده فدراسیون شوراها و اتحادیه‌های کارگری عراق) (۲۲)
فدراسیون شوراها و اتحادیه‌های کارگران عراق کنفرانسی در رابطه با مسایل کارگری ارتباطات- حمایت بین‌المللی و خصوصی‌سازی در ماه مارس ۲۰۰۹ در شهر اربیل برگزار کرد. در این نشست نمایندگان مهمان بسیاری از سایر کشورها شرکت داشتند. از فدراسیون سندیکاها کارگری عراق هم دعوت به عمل آمده بود اما آن‌ها شرکت نکردند. (این فدراسیون متعلق به حزب کمونیست عراق است) در این کنفرانس نمایندگان از اتحادیه‌های امریکا، انگلیس و.... شرکت داشتند. حضور نمایندگان سولیداریته سنتر نیز پررنگ بود. (۲۳)

برخی نمایندگان این نهادها کارگری عراق با گرفتن کمک مالی و نزدیکی‌شان با نهادها کارگری در آمریکا و انگلیس، بیشتر از طریق رایزنی مشغول فعالیت‌های ضد اشغال و گرفتن حق امتیاز برای بهبود وضعیت کارگران عراق هستند و روی رایزنی با نمایندگان کنگره آمریکا و مجلس انگلیس زیاد حساب می‌کنند. نگاهی به سایت‌های این نهادها میزان ارتباط آن‌ها را با نهادها انگلیسی و امریکایی نشان می‌دهد. مشکل اساسی‌تر این نهادها از سوئی نداشتن ارتباط تنگاتنگ با کارگران عراقی در محیط کار و از سوی دیگر مشکلات مادی سبب می‌شود از نظر مالی به سندیکاها خارجی وابسته باشند. فعالیت‌های آنان بیشتر به پخش اعلامیه و انتشارات محدود می‌شود و بیشتر در فضای مجازی اینترنت است. این مساله حتی تا جایی پیش می‌رود که اعضای برخی اتحادیه‌ها و رهبران آن که در خارج از عراق زندگی می‌کنند، به

صورت کمپینی، عکس‌العملی و حقوق بشری با مسایل کارگری عراق برخورد می‌کنند و شاید در مواردی خود را با حرکات جنبش کارگری غرب تنظیم می‌کنند. پایه‌ی اساسی این مشکل در این است که آنها هنوز با مسائل کارگری فرقه‌گرایانه برخورد می‌کنند و همین مساله نمی‌گذارد تاکتیک‌هایشان را ارتقا داده و با بدنهی کارگری رابطه‌ی نزدیک‌تری (برقرار کنند. ۲۴)

در کنار این تشکلهای، جریان‌های مستقل کارگری نیز فعالیت گسترده‌ای دارند، اما آنها زیر فشار شدید هستند و از فعالیتشان با ترندهای مختلف جلوگیری می‌شود. در واقع می‌توان گفت دو جریان کارگری در عراقی مشهود است: یکی جریان مستقل که تنها به نیروی خود کارگران متکی است و جریان دیگری که می‌خواهد مشروعیت خود را در تایید نهادهای رسمی کشورها می‌یابد.

این جریان‌های مستقل بیشتر از سایر تشکلهای قربانی اشغال هستند و بسیاری از اعضای رهبریشان دستگیر و به قتل رسیده‌اند. در طول سال‌های اشغال تهدید به کشتن کارگران مستقل و نمایندگان واقعی آنها به امری طبیعی تبدیل شده است. ریختن به محل سندیکا و بردن اموال سندیکا، زندان، بیکاری، اخراج رهبران کارگری در چند سال گذشته وجود داشته است. بسیاری از کارگران در مسیر کار و یا در محیط کار قربانی نیروهای اشغال‌گر و بمب‌گذاری نیروهای تروریستی و گروه‌های مسلح شدند.

این یک واقعیت است که از یک طرف با توجه به شرایط نظامی و امنیتی موجود در عراق امر سازماندهی و سندیکایی کار بسیار مشکل است و از سوی دیگر بیکاری و بی‌آیندگی خود معضلی اساسی برای نهادهای کارگری است، ولی این را نباید از یاد برد که وابستگی و عمل‌کرد غیرمستقلانه چه در داخل عراق و چه در روابط کارگری با دیگر کشورها تأثیر منفی (می‌گذارد. ۲۵)

رابطه‌ی دولت عراق با تشکلهای کارگری

سیستم قانون کار عراق هنوز دست نخورده است و می‌شود تا حدودی گفت که بدتر هم شده است. چرا که کمپانی‌های چندملیتی که در عراق کار می‌کنند سیاست‌های ضد کارگری و ضداتحادیه‌ای بسیاری دارند. ماده ۱۵۰ قانون کار مصوب ۱۹۸۷ (دوران صدام حسین) است در دولت بعد از اشغال نیز اجرا می‌شود. هنوز هم هر نوع فعالیت مستقل سندیکایی در عراق محدود است و این قانون مشکل اساسی بسیاری از تشکلهای مستقل کارگری عراق است. این قانون نه تنها حق تشکل و اعتصاب را ممنوع کرده بلکه حداقل دستمزد را نیز برای کارگران در نظر نگرفته است. با تغییر عنوان شغلی کلیه کارهای رسمی در بخش عمومی به خدمات شهری (در اصل همان تغییر عنوان کارگر به کارمند است) کارکنان این مشاغل از پیوستن به سندیکا محروم شدند. در بخش خصوصی، تنها در واحدهایی که تعداد کارگرانشان از ۵۰ نفر بیشتر باشد، می‌تواند کمیته‌هایی تشکیل شود، این هم فقط شامل کمتر از ده درصد نیروی کار در عراق است. در هفتم اگوست ۲۰۰۵ ماده ۸۷۵۰ توسط دولت تصویب شد. این ماده به دولت حق می‌دهد بطور مستقیم دارایی‌ها و اموال سندیکا را ضبط کند. با رجوع به همین قانون بود که دولت اموال فدراسیون نفت را مصادره کرد. تصویب قانون ضدبعثی، یعنی از بین بردن تمامی تعلقات حزبی به حزب بعث و رژیم سابق، تا بدانجا پیش می‌رود که این حق Debaathification را به دولت می‌دهد که حتما نتیجه انتخابات سندیکا را غیرقانونی اعلام کند. طبق همین ماده اموال فدراسیون سراسری کارگران عراق را تصرف کردند (۲۶) در تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۰ وزارت برق کلیه فعالیت‌های اتحادیه‌ای را در بخش‌های متبوع خودش ممنوع و تمامی اموال اتحادیه را ضبط کرد و اعلام کرد هر نوع حرکت اعتراضی اعضای اتحادیه علیه دولت جرم شناخته می‌شود. (۲۷) در بخش پتروشیمی، بنادر، بیمارستان‌ها هم، موارد بسیاری در ارتباط با بستن دفتر سندیکا گزارش شده است. در بروشور تبلیغاتی یک اتحادیه کارگری عکسی از یک اسکناس مربوط به دوران صدام حسین به چشم می‌خورد. در این بروشور نوشته شده است: "هفت سال از سقوط صدام می‌گذرد ولی هنوز کارگران بخش عمومی (خواستار آزادی تشکل هستند". (۲۸)

و سندیکاها برای تغییر قانون کار به دولت فرستاده شده است. اما در زمینه‌ی حق I.L.O طرح 2004 با اینکه در سال ، اقدامی صورت نگرفته است. 1987 تشکل، قرارداد دسته جمعی و اعتصاب، برای تغییر ماده ۱۵۰ قانون ضدکارگری این مساله نشان می‌دهد که دولت فعلی عراق تا کنون هیچ حرکت مثبتی در جهت احقاق حقوق کارگران انجام نداده است.

بعد از اشغال عراق با وجود اینکه بسیاری از رسانه‌های غربی طرفدار حقوق بشر ادعا می‌کنند آزادی‌های سیاسی، انتخابات آزاد و مطبوعات آزاد وجود دارد، اما عراق یکی از بدترین کشورها از نظر "وضعیت حقوق بشر" در چند سال گذشته بوده است. در سالنامه ۲۰۰۹ آی تی یو سی در این رابطه گزارش مفصلی است که نشان می‌دهد با ادامه روند اجرای قوانین دولت بعث، شرایط کارگری عراق همان است که بود. بخش عمده‌ی این گزارش‌ها مبنی بر دستگیری، ربودن، قتل و زندانی کردن کارگران و نمایندگان‌شان است. در سال ۲۰۰۵ هادی صلاح مسول بخش بین المللی فدراسیون اتحادیه‌های کارگری به ضرب گلوله کشته شد. در ژوئیه ۲۰۰۶ هاشم جبرا از فدراسیون شوراهای کارگری گروگان گرفته شد. در همان سال ردا مجد یکی دیگر از فعالین این اتحادیه ترور می‌شود. در اکتبر همان سال جنازه‌ی نجم جاسم از اتحادیه مکانیک و ثابت حسین علی از اتحادیه کارکنان بیمارستان پیدا شد و علا عیسی خلف ترور شد. در سال ۲۰۰۷ جنازه عدنان ال عابد... وکیل اتحادیه‌های کارگری پیدا شد و در همان سال خلیل ابراهیم از سندیکای کارگران ساختمانی بر اثر بمب مجروح شد. نزدیک به چهار سال از گزارش آقایان همیلتون و بیکر (دوتن از نمایندگان مجلس امریکا) در مورد وضعیت عراق به کنگره و رئیس جمهور امریکا می‌گذرد. آنها می‌گویند: "هیچ راه حل جادویی برای حل مسأله عراق و خارج شدن از این وضعیت (وجود ندارد)، ولی ما می‌توانیم با این گزارش بگوییم که چگونه منافع خودمان را در عراق حفظ می‌کنیم" (۲۹)

گزارشی که در آن نه تنها کشتار صدها هزار و آوارگی میلیون‌ها انسان را تأیید کرده، از همه مهم‌تر از بین بردن عراق را به قلم می‌آورد و نویسندگان آن ابایی ندارند که بگویند باید اقتصاد آن کشور را بر اساس منافع امریکا بازسازی کرد. این گزارش با زبان دیپلماتیک به مردم امریکا نشان می‌دهد که دلایل حمله به عراق چه بوده و چکار باید بکنند که از این بحران بیرون بیایند. هر چند این گزارش توسط خود نمایندگان انتخابی بوش و کنگره امریکا ارائه شد ولی از آن استقبال نشد؛ چرا که آش آنقدر شور شده بود که صدای آشپز را هم در آورده بود و نمی‌توانستند این چنین بی پروا نفاط ضعف را بشنوند. امریکا به همراه متحدان غربی‌اش در زمان جنگ خلیج فارس و اشغال کویت توسط عراق (۱۹۹۰) و در ادامه‌ی همان پروژه با اشغال کل عراق در سال ۲۰۰۳ می‌خواستند نقش هژمونیک‌شان را در منطقه از دست ندهند و همچنین رویای تغییر نقشه سیاسی - جغرافیای منطقه خاورمیانه را در سر داشته و دارند تا کشورهای دیگر منطقه را به مدار بازار جهانی سرمایه داری بکشانند. در مجموع در طول دو دهه‌ی گذشته، چه در زمان زمامداری بوش پدر و چه در کشورگشایی‌های بوش پسر، تمام این کارها به خاطر حفظ امنیت نفت، بهبود وضعیت اقتصادی و مهار زدن بر بحران اقتصادی کشور امریکا و متحدانش بوده است. در اصل این سود سرمایه‌هاست که منطق این گونه طرح‌ها را تعیین می‌کند و در این راه از هیچ جنایتی هم کوتاهی نخواهند کرد؛ درست مانند آنچه در ویتنام انجام دادند. زمانی که خبرنگاران جهانی نیوزویک و تایمز از روسای ارتش امریکا، آرنت و بوریس، در ۷ فوریه ۱۹۶۸ در سایگون سؤال کردند چرا روستای بن تری را از بین بردید؟ (این جمله معروف را به کار بردند: "برای حفظ روستا ضروری بود کل روستا را از بین ببریم" (۳۰))

ائتلاف موقت از جبهه‌ی شمال آقای چلبی، جریانات کرد اتحادیه میهنی، حزب دمکرات کردستان تا احزاب کمونیستی قطعنامه ۱۴۸۳ سازمان ملل به این نهادها اختیار داد که کنترل جامعه را در مدت کوتاه بدست بگیرند. اما آنها تا تشکیل شد به امروز هم، با تمام انتخاباتی که برگزار شده است، هنوز آزاد و مستقل عمل نمی‌کنند و نیروهای امریکا و متحدانش نقش تعیین کننده‌ای در سیاست عراق دارند. (۳۱) شاید بسیاری از نیروهایی که در ائتلاف ۲۰۰۳ شرکت کردند، از جمله اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق تصورشان این بود که نیروهای امریکا همانند سال ۱۹۹۰ بعد از چند هفته کشور را، تحت کنترل سازمان ملل، به نیروهای ائتلاف خواهند سپرد، غافل از آن که هدف از کشاندن این نیروها به این بازی مرگبار چیز دیگری بود، بازی‌ای که نتیجه‌اش ساختن کشور جدید عراق به قیمت نابودی مردم عراق است. نیروهای اشغالگر تنها نیازمند مجوزی از طرف این نهادها برای حمله و نابودی عراق بودند.

نتایج اشغال به گونه‌ای فاجعه‌بار بود که طارق عزیز، وزیر امور خارجه دوران دیکتاتوری صدام در مصاحبه با گاردین خواستار عدم خروج نیروهای امریکایی شد و آرزوی شهادت برای خودش را دارد تا چنین وضعیتی را مشاهده نکند. او می‌گوید امریکا عراق را کشت. البته این نکته را هم متذکر می‌شود که "امریکایی‌ها می‌دانستند سلاح کشتار جمعی وجود (32) ندارد، ولی در هر صورت کار خودشان را می‌خواستند انجام بدهند

می‌گوید: ساختن N.E.D طنز تاریخ آنجا است که بوش پسر در سال ۲۰۰۳ در سخنرانی‌اش به مناسبت بیستمین سالگرد

دموکراسی در عراق، بعد از سه دهه استبداد، کار آسانی نیست، چرا که مستبد قبلی با ترور و خیانت میراثی جز ترس و ویرانی از خود بجا نگذاشته است و این مهم فقط به متحدین دولت موقت و شورای امنیت واگذار شده است که برای ساختن (عراق دیگری باید همکاری کنند). (۳۳)

وضعیت دشوار و پیچیده‌ی منطقه‌ی خاورمیانه طلب می‌کند که نیروهای اجتماعی و آگاه در این منطقه با برخوردی دقیق و هوشیارانه مواضع درستی اتخاذ کنند تا عملکرد مناسبی داشته باشند. آنچه مسلم است سرمایه‌داری جهانی برای حل بحران‌های خود مدت دو دهه است که متوجه خاورمیانه شده است و هم چنانکه کارشناسان و نظریه‌پردازان آن می‌گویند اقتصاد بسته منطقه را می‌خواهند با هر وسیله ممکن و از جمله جنگ و اشغال بگشایند و قوانین بازار آزاد را در منطقه گسترش دهند. حفظ حالت جنگی در منطقه و تصویب قطعنامه‌های تحریم به بهانه‌ی پرونده‌ی اتمی، بخشی از برنامه‌ی سرمایه‌داری جهانی برای یک دست کردن منطقه است.

کشورهای منطقه به خاطر ترس از مواجه شدن با سرنوشت عراق، خود دست به گشودن بازارها برای سرمایه‌های جهانی می‌زنند. در ایران نیز با همه‌ی ادعاهای غرب ستیزی، برای حفظ قدرت و جلب رضایت سرمایه داری جهانی، به استقبال گشودن بازارها برای سرمایه‌گذاری می‌روند و با اجرای حذف سوبسیدها با تمام قوا سعی بر آن دارند که به غربیان بفهماند که حاضرند با اجرای طرح‌های اقتصادی این چینی، بازارهای ایران را تمام و کمال در برابر غرب بگشایند تا غربیان نیز با این عمل آنها می‌خواهند بگویند که ما بهترین کسانی هستیم که توانایی پیاده کردن از فشار سیاسی خود بر ایران بکاهند سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را با کمک مشت آهنین داریم یا آنکه در اقتصاد هر چه شما بگویید اما در زمینه سیاسی ما را بپذیرید. این بده و بستان‌ها در ماه‌های اخیر، به رغم تمام شاخ و شانه کشیدن‌ها، آشکار و واضح است به نظر می‌رسد نیروهای کارگری در عراق برای مقابله با شرایط پیش آمده برنامه دقیق و منسجمی ندارند. بخشی از نیروهای کارگری در عراق به جای برنامه‌ریزی و انسجام صفوف کارگران بیشتر به فکر گرفتن حقوق خود از طریق لابی‌های و اشنگتن و زد و بند با محافل سرمایه‌داری هستند و به جای پرداختن به مبانی اصلی نجات کارگران و زحمتکشان و مردم عراق، بیشتر وقت خود را صرف مذاکره با نهادهایی می‌کنند که بازوی اصلی و بوجود آورنده‌ی چنین وضعیتی هستند. در مقابل فعالین مستقل، که هیچ تریبونی برای انتشار مطالب و طرح خواسته‌های خود ندارند، هر روز بیشتر زیر ضرب قرار می‌گیرند.

راه حل مسایل عراق جدا از راه حل‌های موجود برای مسایل کل منطقه نیست. اکنون سرمایه داری با تمام قوا سعی بر آن دارد که منطقه‌ی خاورمیانه را به هر ترتیب در تسخیر چنگال‌های سرمایه قرار دهد و در این راه به هر ترتیب با تقویت امروزه در نظام‌ها و حکومت‌های بنیادگرا و نولیبرال به صورت درهم آمیخته یا مجزا در تثبیت موقعیت خود می‌کوشد منطقه بنیادگرایی و نولیبرالیسم دو روی یک سکه شده‌اند و متناسب با شرایط، نیروهای سرمایه‌داری به تقویت یک گرایش و یا حمایت از گرایش دیگر می‌پردازند و در عراق که نمونه‌ی بارز ساخت کشوری نمونه در منطقه است، به نوعی به تلفیق این دو گرایش تمایل دارند و در برابر، با نیروهای مستقل و مترقی به شدیدترین وجه برخورد کرده و یا آنکه آنان را در لابی‌های هزارتوی سرمایه‌داری سرگردان می‌کنند.

تحلیل دقیق از شرایط، برنامه‌ریزی، وحدت و انسجام برای نیروی‌های مستقل و مترقی در منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدون درک عمیق از شرایط و بدون داشتن برنامه‌ای مشخص در مقابله با طرح‌های اقتصادی بازار آزاد نمی‌توان به آینده‌ای شفاف امیدوار بود. نیروهای مستقل منطقه باید در برخورد با شرایط جدید هر چه بیشتر به استقلال و برنامه‌ریزی در جهت مقابله با سیاست‌های بی‌درو و پیکر گشودن منطقه به روی سرمایه‌داری لجام‌گسیخته عمل کنند. سرمایه‌هایی که به دنبال دو دهه بحران، اکنون برای یافتن محلی مناسب جهت گردش بی‌امان در کسب سودهای کلان، از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند. امروزه مقابله با سیاست‌های بنیادگرایانه به هیچ وجه جدا از مقابله با سیاست‌های نولیبرالی نیست و لابی کردن با یک طرف به امید دریافت سهمی از قدرت، جز به مسلخ فرستادن کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم منطقه نیست. در چنین شرایطی ضرورت انسجام و همکاری نیروهای مستقل از هر زمان دیگری بیشتر است. اکنون که نیروهای مستقل منطقه خاورمیانه به صف اول مقابله با سرمایه‌داری جهانی و منطقه‌ای کشیده شده‌اند، جز با درایت پشتکار و پیوندهای محکم با مردم منطقه در این کارزار راهی وجود ندارد. نیروهای مستقل عراقی و سایر کشورهای منطقه نیز از این امر مستثنا نیستند و با فاصله گرفتن از زدو بندها و لابی‌گری‌ها می‌توانند در اتحاد با نیروهای

آینده‌ای که بدون پشتوانه و به کارگیری تجربیات مستقل منطقه و جهان، آینده‌ای روشن را برای مبارزات مردم آن رقم زنند
89 غنی انقلابیون منطقه رقم نخواهد خورد. آبان

منابع و زیر نویس

- 1- نامی کلین دکترین شوک بخش هفتم قسمت عراق
- 2- مکتب فریدمن یا شوک درمانی معتقد است که برای جلوگیری از بحران های فزاینده باید همواره جامعه را از نظر اقتصادی درحالت شوک نگه داشت تا مردم به طور دائم در تکاپو باشند. با خصوصی کردن و بتخریب و بازسازی پاک کردن تمام محفوظات قبلی در شوک درمانی و ایجاد زمینه اقتصادی می‌توان همواره مردم را در حالت شوک قرار داد. ای خالی در ذهن افراد بیمار روانی ، الگویی برای پاک کردن اقتصاد قبلی و ایجاد اقتصادی جدید است
- 3- نامی کلین دکترین شوک بخش هفتم قسمت عراق
- 4- <http://www.doingbusiness.org/Documents/CountryProfiles/IRQ.pdf>
- 5- [http://www.icarda.org/ACIAR/PDFs/Presentations/AgricultureInIraq/IraqsAgricultureAndSeedSector\(DrKhamisJul05\).pdf](http://www.icarda.org/ACIAR/PDFs/Presentations/AgricultureInIraq/IraqsAgricultureAndSeedSector(DrKhamisJul05).pdf)
- 6- این گزارش‌ها از سوی سازمان آمریکایی "کودکان را نجات دهید" و نیز از سوی کمیته‌ی خانواده، زن و کودک در پارلمان عراق نیز تایید شده است
- 7- bitte.ham margren@svd.se گزارش روز نامه سوئدی سپتامبر ۲۰۱۰ ، برگردان م. جمشیدی ،
- 8- http://www.iauiraq.org/reports/Iraq_Labour_Force_Analysis.pdf
- 9- http://www.nytimes.com/2007/12/29/world/middleeast/29kurds.html?pagewanted=1&_r=1
- 10- The Iraqi General Federation of Trade Unions (GFTU)
- 11- The Workers Democratic Trade Union Movement (WDTUN)
- 12- The Federation of Workers Councils and Unions in Iraq (FWCUI)
- 13- the Iraqi Federation of Trade Unions (IFTU)
- 14- the Iraqi General Federation of Trade Unions (GFTU)
- 15- Federation of Oil Unions in Iraq
- 16- کارگران عراق در مبارزه علیه خصوصی سازی و بیکاری (برگردان از عربی پاول وود / هلگا هایدریش، برگردان (به فارسی ناهید جعفرپور)
- 17- مختصری از جنبش طبقه کارگر در عراق نوشته مظفر - <http://www.basraoilunion.org/2005/11/hassan-jumaa-awad-in-uk-nov-22th-dec.htm>
- 18- <http://www.wpiraq.net>
- 19- <http://www.iraqicp.com>
- 20- <http://www.labourfriendsofiraq.org.uk/archives/000614.html>
- 21- <http://www.solidaritycenter.org/files/TrainingReport.pdf>
- 22- http://www.solidaritycenter.org/files/pubs_annual_report_2009.pdf , p16
- 23- <http://issuu.com/safeen/docs/towards2009>
- 24- <http://www.solidaritycenter.org/files/TrainingReport.pdf>
- 25- <http://www.tuc.org.uk/international/tuc-10310-f0.cfm#Iraq> – <http://www.labourfriendsofiraq.org.uk/archives/000614.html>

- 26- <http://survey07.ituc-csi.org/getcountry.php?IDCountry=IRQ&IDLang=EN>
- 27- <http://www.ituc-csi.org/iraq-trade-unions-banned-in-the.html?lang=en>
- 28- http://www.iraqtradeunions.org/wordpress/wp-content/uploads/2010/07/BITN-831_05.pdf
- 29- http://media.usip.org/reports/iraq_study_group_report.pdf
- 30- http://en.wikipedia.org/wiki/B%E1%BA%BFn_Tre
- 31- <http://www.iraqcoalition.org/regulations/#Memoranda>
- 32- <http://www.guardian.co.uk/world/2010/aug/05/iraq-us-tariq-aziz-iran>
- 33- <http://www.ned.org/george-w-bush/remarks-by-president-george-w-bush-at-the-20th-anniversary>